

بهم پوسته اندامی بیدام

با پیرشس جو دو می در یکی جام

پنجه جرد می که دل بود ای کاس

از آن سمان بن و از نخت کالی

بسیجی بجز از زلف شمشیرش

از دو در کله نس از ترشانی

گم رشت که بینی جانی آن است

بجز زلف بوی و کف لای

دوست توتق با هم که در پیوست

ازین در دهن او کف فانی

حصیر کرب کشتا پزیرای

ازین در پیش بر بون نمیز

نه محرم در میان جویز کتک بو

از دو کله تیر در پست برین

کجک آب حیات از کام ماهی

از آن سبب خورده شد و کمر

سواد چون در کله روی بر بو

ازین سبب در پست او بر بو

چو بود از دو جانب شعله را

ازین کردن برون پی سلیم

سندی در زو شدی شهابی شایان

ازین در آن بد و بالی مای

در آن پاشش آمد سر و زلف

از آن سبب کرون تو پیسیم

زکاه شام تا صبح شهابی شایان

از دو با دو جو کرد و جاسیل

از بوی تن بر زلف کره کبر

ازین کردن در آوردن نخر

فان تعفو فعفوک منقذی  
والا فبالد لب المد مراصرع  
یا اله بحق الها شمس و اله  
وحسرا بر اسم لک خضع  
فان شرنی علی بن احمد  
منسیا بقیا قاشا لک اخضع  
ولا تخترنی یا الهمی پیسید  
شفاعتة الکعب بری فذاک المشفع